

کمونیزم و طالبیزم.

اخیراً دو مقاله را در پورتال وزین افغان جرمن آنلاین بدقت تام و علاقمندی خاص مطالعه نمودم که یکی از جناب دانشمند محترم داکتر صاحب اسلام الدین ساویز تحت عنوان "مذاکرات با طالبان" و دومی بقلم جناب دانشمند محترم ولی احمد نوری تحت عنوان "انترناسیونالیزم اسلامی یا کمونستی؟ یا هردو" بود که نظریات هر دو دانشمند گرانقدر برایم گرامی است.

من میخواهم عرض کنم که کمونیزم و طالبی پدیده های اند که مغایر کلتور- عنعنات و فرهنگ افغانی ما می باشند و هردو از خارج توسط دو ابر قدرت وقت به زور و زر بر ملت افغان تحمیل گردیده و به دهم شکستاندن شیرازه وحدت ملی که در زمان مرحوم محمد ظاهرشاه ایجاد گردیده بود به سرنوشت ملت افغان بازی نموده اند که امروز نتایج تلخ آنرا بچشم سر می بینیم و در درد آن می سوزیم. قدرت بزرگ امریکا و بریتانیا که با سیاست دو پهلو و سه پهلو خود که افغانستان را اشغال نموده اند از یکطرف تأکید بر وحدت افغانها می کنند و از طرف دیگر تعداد جنایتکاران را در اورگان های دولتی حمایه و برای راضی نگذاشتن آنها و دوام اشغال افغانستان عزیز گلبدین حکمتیار و ملا محمد عمر رهبر طالبان را بخاطر جنایت شان از سهمگیری در امور کشوری محروم می دارند و در تربیه طالبان و تروریست های القاعده و کشت خاشخاش در موسی قلعه و ولسوالی های دیگر ولایت هلمند همکاری می کند.

من نمیخواهم بگویم که جنایتکاران سی سال بهر اسم و یا ایدیلوجی که هستند قابل عفو اند نخیر مطلب من اینست که اگر بخاطر مصالح علیای مادر وطن از وحدت ملی حرف می زنیم دیگر موضوع این و آن مطرح نیست بلکه ایجاد وحدت آهنین ملت برای حاکمیت ملت و قانون در سراسر کشور است نه حاکمیت جنایتکاران معلوم الحال. بناء وقتی قانون و ملت حاکم شد خود ملت در مورد جنایتکاران هر وقت و زمان تصمیم خواهند گرفت.

بلی در این فرصتیکه آقای کرزی از طالبان دعوت می کند و امریکا و بریتانیا فوری به آن مخالفت می نمایند و صدای زلمی خلیل زاد از مخالفت با طالبان از سازمان ملل متحد بلند میشود و یا از روزنامه گاردین در لندن شرایط سه گانه (سپردن ده ولایت پشتون نشین به طالبان- اخراج قوای خارجی از افغانستان و برداشتن جوایز تعیین شده بر سر رهبرشان) مذاکرت طالبان به دولت افغانستان به نشر میرسد و از طرف طالبان جدی رد می شود به وضاحت معلوم می شود که امریکا و بریتانیا مذاکرات با طالبان را برای پیشروی اهداف شوم شان در افغانستان و منطقه در تضاد می بینند و در فکر اند که با تاسیس حکومتی بنام قوای شبه نظامی در ماورای خط سیاه دیورند که مرکز تربیه طالبان و تروریست های القاعده است شرایطی را مساعد سازند که با یکجا کردن پشتون های دو طرف خط سیاه دیورند مادر وطن عزیز ما را خدا ناخواسته بدو قسمت تجزیه و در قسمت های غربی در مجاورت ایران و در شمال در مجاورت فدراسیون روسیه و چین پایگاههای نظامی خود را بسازند.

فلهذا پیشنهاد من اینست که در این مقطع زمان که مادر وطن عزیز ما بکلی ویران و ملت مضمحل گردیده ما در جستجوی راهی باشیم که جلو پلانهای شوم دشمنان را بگیریم و نگذاریم که تحت چتر نام طالبان و یا دیموکراسی قلابی و آزادی های خلاف کلتور – فرهنگ و عنعنات ملی ما کشور عزیز ما را بطرف گودال بدبختی سوق دهند.

وظیفه فرد فرد ما است که در عوض هر کلمه ایزم دیگر در وطن احساس افغانیزم را تقویه و بگوئیم که ما با ایدیولوجی های چون کمونیزم – افراطیزم از هر جناحی که باشد و طالبیزم مخالف می باشیم و هر مذاکره که برای گرفتن قدرت شخصی و یا تطبیق سه ایدیولوجی فوق باشد نزد ما مردود است و بخاطر خدا و نجات وطن از شر دشمنان خارجی همه افغان ها از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب بهر دین – مذهب – قوم – و زبان که هستند حقوق مساوی دارند. معیار و محک تثبیت شخصیت عبارت است از علم – دانش – وطندوستی – پاکی و صداقت نه ایدیولوجی هایشان.

هدف اولی ما استحکام وحدت ملی و حاکمیت قانون در سراسر افغانستان عزیز می باشد. تصمیم در مورد موجودیت و یا عدم موجودیت قوای نظامی خارجی بین المللی در افغانستان با در نظر داشت شرایط باید به درخواست دولت ملی در یک کانفرانس بین المللی تحت ریاست سازمان ملل متحد گرفته شود و افغانستان به تعقیب سیاست عنعنوی خود باید بحیث یک کشور آزاد – مستقل و بیطرف در جهان شناخته شود سپس طبل دیموکراسی واقعی مطابق شرایط وقت و زمان و انکشاف شعور سیاسی در پرتو نور علم و معرفت تطبیق گردد. و من الله توفیق

پایان